

## با موبایلش حساب‌ها را خالی می‌کرد پشت پرده ثروت میلیاردری مرد کابینت‌ساز

**علی چاهه** / حاصل ۱۶ سال از عمر و زندگی بود و به اساتید بنام انگشترساز سیرده پودم تا برابرم رکاب این انگشترها را آماده‌کنند اما امسال برای پول پیش خانه مجبور شدم تا آنها را که فیروزه، عقیق، جواهر و... بپردازم برای فروش در یک سایت اینترنتی بازگذاشتم که همه آنها را کلاهبرداری کردند.

این حرف‌های تراشکاری است که عشق کلکسیون انگشتر باعث شده تا در ۱۶ سال گذشته، انواع و اقسام انگشتر قیمتی را خریداری کند اما به خاطر یک اشتباه و اعتماد به رسید جعلی، نه تنها پول پیش خانه‌اش را به دست نیاورد بلکه عشق خود را نیز از دست داد.

مالباخته‌های دیگری نیز در پایگاه ۱۰ پلیس آگاهی تهران حضور دارند. یکی برنج ارسال کرده است، یکی پیائویی را با کلی چانه زن از ۹۰ میلیون به ۷۵ میلیون به او فروخته است و دو نفر دیگر سیم و کابل فروخته‌اند و....

سرهنگ وحید ذاکری رئیس پلیس پایگاه ۱۰ پلیس آگاهی تهران درباره دستگیری دزد این پرونده می‌گوید: بعد از شکایت مرد مالباخته‌ای در پلیس آگاهی پرونده در دستور تیمی از مأموران پایگاه ۱۰ قرار گرفت که با انجام کارهای اطلاعاتی مرد شیاد شناسایی و در مخفیگاهش دستگیر شد.

ذاکری ادامه می‌دهد: تاکنون این مرد به ۱۰ مورد دزدی با روش نشان دادن رسید جعلی پول اعتراض کرده است که ارزش اموال ۲ میلیارد تومان برآورد شده است.

### گفت وگو با دزد کلاهبردار

سرش را به زیر انداخته است حتی نمی‌خواهد به چشم‌های طعمه‌هایش نگاه کند:

چند ساله هستی؟

۳۹ ساله.

سابقه داری؟

بله یک سابقه مالی دارم.



## این مرد در کمین عذاران نشست اعترافات موش کور بهشت زهرای تهران

**علی چاهه**؛ دزد پرایدهای بهشت زهرا(س) که بعد از بردن ماشین و خالی کردن وسایل آنها، با صاحب ماشین تماس گرفته و حتی از آنها مزدگانی دریافت می‌کرد، دستگیر شد. تنها ۲۹ سال سن دارد اما وقتی شروع به صحبت می‌کند کوی پیرومردی ۸۰ ساله است که دردها و رنج‌های زندگی کمر او را خم کرده است. تخصص جوشکاری دارد اما بعد از اعتیاد به مواد مخدر و گذراندن دوران پادشاهی مصرف، به چنان فلاکتی می‌افتد که گویی توان کار کردن در او وجود ندارد. دوران افول شروع شده و هر روز وضعیتش از روز قبل آن بدتر می‌شود تا اینکه حتی در خرید هروئین خود نیز می‌ماند پس از هر دقیقه‌ای که سیری می‌شود، عرق سرد روی پیشانی‌اش بیشتر، درد استخوان‌هایش غیر قابل تحمل‌تر و اعصابش بهم ریخته‌تر می‌شود. پس همان می‌شود که همیشه گفته‌اند آدم معتاد، خدا ندارد.

پس با آن حال خراب با در دست داشتن یک پیچ‌گوشتی، از خانه‌اش در باقرآباد، پیاده راه افتاده و به بهشت زهرا می‌رسد. سپس عزم خود را جزم کرده و اولین سرقت‌اش را که پرایدی مدل پایین است، انجام می‌دهد. اصلاً پراید را انتخاب می‌کند چرا که این ارایه مرگ که طبق آمارها، ۶۰ درصد بیشتر از سایر ماشین‌ها، تصادف منجر به مرگ دارد در صورت حرفه‌ای بودن کم‌تر از ۳۰ ثانیه و در صورت نابلدی در ۲ دقیقه به سرقت می‌رود.

روز اول سیری می‌شود و نشسته از پولی که با سرقت به‌دست آورده شروع به فکر کردن برای آینده این

کار می‌کند. وی در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «شروع به دزدیدن پرایدها در بهشت زهرا و شهری کردم و چون معمولاً افراد مدارک خود را در ماشین نگه می‌دارند، شماره تماس آنها را پیدا می‌کردم و با این عنوان که ماشین شما را کنار خیابان پیدا کرده‌ام، درخواست دریافت مزدگانی می‌کردم که هر کدام آنها مبالغ ۰۲، ۰۳، ۰۵، ۱۰ میلیون تومان برای من می‌آوردند.»

سرهنگ وحید ذاکری، رئیس پایگاه ۱۰ پلیس آگاهی تهران در گفت‌وگو با «ایران» درباره این فرد بیان می‌کند: بعد از سرقت تعدادی پراید در بهشت زهرا، پلیس آگاهی پرونده را در اختیار گرفته و با اقدامات اطلاعاتی این فرد را دستگیر کردند. او ادامه می‌دهد: «این دزد تاکنون به دزدیدن ۳۰ پراید در بهشت‌زهرا و ۱۰ پراید در شهری اعتراف کرده است که از این ۴۰ مورد، ۱۰ نفر تاکنون به او مزدگانی نیز داده‌اند. این دزد در پاسخ به این سؤال که چرا به چنین روزی افتاده‌ای پاسخ می‌دهد: بی‌پناهی، بی‌کسی، بدبختی، پدر معتاد، دوست ناباپ و... همه اینها مرا به این روز انداختند. من در زندگی محبتی ندیدم، من در زندگی عشقی ندیدم، من در زندگی اصلاً زندگی نکردم و همین مسئله نیز باعث شد تا به مواد مخدر دچار شوم. حالا هم پشیمانم و بعد از آزادی دوباره به همان کار جوشکاری برمی‌گردم.

گفتنی است طبق تحقیقات صورت گرفته علمی، اعتیاد و سرقت ماشین، ارتباط مستقیمی با یکدیگر دارند و حتی این مسئله را نیز آمارهای پلیس در خصوص سرقت خودرو و لوازم آن تأیید می‌کند.

فرستاده شد.

### در دادگاه

هومن در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای جلسه مادر مریم که تنها ولی بود برای دامادش حکم قصاص خواست. سپس هومن در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: من اتهام قتل را قبول دارم اما عمدی در کارم نبود و یک اتفاق باعث شد همسرم خفه شود. من می‌خواستم او را ساکت کنم تا سررو صدا نکند و آبروریزی نشود اما او ناگهان بیپوش شد. حتی می‌خواستم زخم را به بیمارستان برسانم اما کار از کار گذشته بود و من به ناچار جسد را به فیروزکوه بردم و دفن کردم.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده هومن را به قصاص محکوم کردند. این حکم در دیوان عالی کشور مهر تأیید خورد و قطعی شد.

### شناسایی سایر شکات فریب خورده

در این میان با شکایت دوباره اولیای دم و ادامه تحقیقات، روشن شد هومن بعد از جنایت خانوادگی با همدرستی چند نفر، خانه، ویلا و خودروی همسرش را با جعبه سفید فروخته است و خریداران خودرو، خانه تهرانپارس و ویلای فریدونکنار شاکي های وی هستند که بعد از مشخص شدن کلاهبرداری‌های هومن اموال‌شان توقیف و پلمب شده است.

به این ترتیب برای هومن و همسرانش از جمله خواهر او به اتهام استفاده از سند مجهول، معاونت در جعل سند، کلاهبرداری، انتقال اموال دیگری به غیر، سرقت عایربانک مقنول و... کیفرخواست صادر و پرونده‌شان بار دیگر به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

### دومین دادگاه

در این جلسه که با حضور ۶ شاکی پرونده برگزار شد ابتدا مادر مریم در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: داماد سابقم دخترم را بی‌رحمانه کشت و با جعل سند اموالش را فروخت. او و همسرانش ۱ ماه پس از قتل دخترم، حتی به خانه‌ای که سه دانگ آن به نام من بود هم رحم نکردند و آن را از من گرفتند. من از او و کسانی که در این مسیر همراهی‌اش کردند شکایت دارم و خواستار رد مال هستم. سپس وکیل این زن روبه‌روی قضات ایستاد و گفت: طبق مدارک اغلب خریداران از جعلی بودن اسناد آگاه بوده و می‌دانستند که اسناد مشکل دارد اما نسبت به خرید آن مبادرت کرده‌اند.

سپس هومن در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: سه نفر از بستگانم از جمله خواهرم بی‌دلیل وارد این پرونده شده‌اند و به آنها انگ متهم خورده است،



## پیگیری پرونده

اولین اعترافات مردی که زنش را کشت و خودسوزی کرد

## سالاد شوم در قتل مهین تاج



مرد جوان که در ایام عید همسرش را به قتل رسانده بود در برابر بازپرس جنایی جزئیات این جنایت را تشریح کرد.

به گزارش «ایران»، شهر در هیاهوی روزهای اول سال و نشاط نوروزی بود که خانه‌ای کوچک در بلوار پروین تهران میهمان یک جنایت شد.

هشتم فروردین ماه بود که پدر مهین تاج ۴۰ ساله در پی خبری از دخترش دچار تشویش و نگرانی شد و موضوع را به پلیس اطلاع داد.

سابقه نداشت که مهین تاج تماس‌های پی در پی پدرش را بی‌پاسخ بگذارد و همین باعث شده بود که پیرمرد نگران باشد.

قبل از آن وقتی مهین تاج و همسرش به سفر نوروزی بروند، کلید خانه‌شان را به پدر مهین تاج سپرده بودند تا به خانه آنها سر بزنند.

اتفاقاً در همان روزها بود که یکی از همسایه‌ها پدر زن جوان را در راهرو خانه دید و از او پرسید با چه کسی کار دارد.

پیرمرد هم توضیح داد که برای سرزدن به خانه دخترش آمده است و همین باب سلام و علیک بین او و مرد همسایه را باز کرد.

همین نیمچه سلام و احوالپرسی بین پیرمرد و مرد جوان همسایه به رازکشایی جنایت کمک کرد چون وقتی پدر مهین تاج به همراه پلیس و کلیدساز به خانه دخترش مراجعه کرد تا در را باز کند زنگ خانه همسایه را زد و گفت: دخترم به تهران برگشت و من کلید خانه‌اش را پس دادم. حالا از او خبر ندارم و می‌خواهم وارد خانه شوم.

مرد همسایه هم در را باز کرد و پیرمرد با اضطراب پله‌ها را تا طبقه دوم دو تا یکی رفت تا پشت در خانه دخترش رسید.

مرد کلیدساز دقیقی با قفل در کلنجار رفت تا بالاخره در باز شد. ثانیه‌ای بعد ششون پیرمرد در راهرو پیچید و مرد همسایه وحشت زده به داخل خانه مهین تاج چشم دوخته بود و از ترس آب دهانش خشک شده بود.

جسد غرق در خون زن جوان وسط هال خانه‌اش افتاده بود و شوهر او در خانه نبود. فرار شوهر مهین تاج اولین جرقه را برای فرضیه قاتل بودنش روشن کرد. همسایه‌ها می‌گفتند گاهی صدای جر و بحث زن و مرد جوان را می‌شنیدند و روز حادثه هم شنیده بودند که مهین تاج و شوهرش با هم بحث می‌کردند. اما به ذهن آنها خطور نمی‌کرد که چنین جنایتی پشت در آیزرمان کوچک این زوج رقم خورده باشد.

۲۰ روز از جنایت گذشته بود که شوهر مهین تاج در جاده لوازسان در حالی که اقدام به خودسوزی کرده بود دستگیر شد. او که بعد از قتل از مهلکه گریخته و در مکانی نامعلوم مخفی شده بود، تصمیم داشت با آتش زن خود به زندگی پایان دهد که در همین حال شناسایی و دستگیر شد.

منتم بعد از دستگیری تحت الحفظ به بیمارستان رفت و بعد از طی مراحل درمان در اولین جلسه بازجویی در حالی به سؤالات وحید ناصری بازپرس کشیک قتل پایتخت پاسخ داد که هنوز گان بیمارستان بر تن داشت.

منتم بعد از تشریح جزئیات روز جنایت و اقرار به قتل به زندان منتقل شد و رسیدگی به این پرونده تا صدور کیفرخواست در دستور کار بازپرس جنایی قرار دارد.

ادامه این گزارش را در گفت‌وگوی خبرنگار «ایران» با منتم پرونده بخوانید.

### قتل مهین موقع درست کردن سالاد!

از زندگی ات با مهین تاج راضی بودی؟  
بله، مثل همه زن و شوهرها گاهی با هم بحثمان می‌شد اما اختلافات جدی‌ای نداشتیم.  
پس چه شد که دست به قتل زدی؟  
روزهای ابتدایی سال بود که مهین تاج به من گفت دلش می‌خواهد به سفر برود و به اقوامی که در شهرستان داشتیم سر بزنند. با هم به سفر رفتیم و چند روزی آنجا خوش بودیم که پدر مهین تاج تماس گرفت و گفت که ناخوش است. برای همین ما تصمیم گرفتیم که برگردیم. حال پدر مهین تاج بهبود پیدا کرده بود و شکر خدا مشکلی خاصی نداشت. اما دیگر امکان اینکه دوباره سفر کنیم نداشتیم و همین باعث ناراحتی همسرم شد.

برای مهین با او دیگر شدی؟  
مهین تاج می‌گفت کاش برنمی‌گشتم و من می‌گفتم به خاطر پدر خودت برگشتیم! او باز هم غرولند می‌کرد. روز حادثه باز هم داشت در مورد این موضوع حرف می‌زد و من داشتم برای سالاد گوجه فرنگی خرد می‌کردم. اعصابم به هم ریخت و ناگهان چاقو روی دستم رفت و دستم را بریدم.

خون که بیرون زد و چشمم به آن افتاد حالت جنون به من دست داد و از جاიმ بلند شدم و از شدت ناراحتی می‌خواستم خودزنی کنم که مهین تاج جلوآمد و من که خیلی عصبانی بودم چاقورا به قفسه سینه او زدم. که باعث مرگ همسرم شدم. فرس اقدام به خودسوزی کردی؟  
از این حادثه‌ای که پیش آمده خیلی ناراحت هستم!

## منتم در پایگاه ۱۰ آگاهی تهران عکس ایران

## منتم در پایگاه ۱۰ آگاهی تهران عکس ایران



چرا دست به این کار زدی؟

کابینت‌ساز هستم و قبل از عید به همین روش نشان دادن رسید جعلی ۱۵۰ میلیون کابینت آماده من را با خود بردند. من هم شیشه مصرف می‌کردم که این اتفاق باعث شد تا به فکر جبران این مسئله بیفتم؛ پس از بعد عید شروع به دزدی کردم.

ازدواج کرده‌ای؟

بله اتفاقاً دو تا دخترم دو بخت دارم، حتی درباره این موضوع همسرم خیلی با من دعوا می‌کرد که نباید این کار را بکنم اما گوشتم شنیدار نبود و آنقدر تحت تأثیر مواد مخدر بودم که باید جبران می‌کردم، حتی این اموالی را که دزدیدم نیز هیچ کدام را نفروختم.

چرا پس این راه را انتخاب کردی؟ کابینت‌سازی برایت درآمد خوب نداشت؟

اتفاقاً پول خوبی از کابینت‌ساز می‌کردم. آنقدر خوب که نصف به نصف عملاً برابرم سود داشت و نیاز به این کارها نداشتم. ولی وقتی معتاد می‌شوی دیگر هیچ چیز نمی‌فهمید و دست به کارهایی می‌زدی که کلاً با روحیه شما، جور در نمی‌آید کمانیکه همین الان اگر دست‌های مرا ببینید بیشتر انگشتان من با تیغ اره بریده شده و من شغل و درآمد خوبی داشتم.

چطور افراد را شناسایی می‌کردی؟

در یکی از فروشگاه‌های اینترنتی افراد را شناسایی و با آنها تماس می‌گرفتم. بعد از کلی چانه‌زنی بالاخره جنس را از آنها خریداری می‌کردم و به خاطر اینکه مبلغ آن زیاد بود برایشان شبا می‌کردم. اما در اصل شناسایی اتفاق نمی‌افتاد بلکه اسم و مشخصات فرد را در گوشی وارد می‌کردم و جعلی بود. او هم که تا پول به حسابش واریز شود یک روزی طول می‌کشید که طبیعتاً آن زمان بار را تحویل گرفته بودم و با جابه‌جایی آن در وانت‌های مختلف بار را به خانه خودم تحویل می‌دادم. حالا هم پشیمان هستم.

پشیمانی چه فایده دارد؟

درست است فایده‌ای ندارد اما بالاخره حالا که پاک شده‌ام و مصرف نمی‌کنم طبیعتاً می‌فهمم که چه کار اشتباهی کرده‌ام، حتی همسرم نیز به من می‌گفت که خودت را تحویل بده اما می‌ترسیدم که گیر کنم که در نهایت هم دستگیر شدم و همسرم گفته بود که دنبالم نمی‌آید اما باز آمد. حالا به خاطر او و دخترانم هم که شده وقتی رضایت افراد را بگیرم و از اینجا خارج شوم دیگر هیچ کارخلافی نمی‌کنم و فقط کار خودم را می‌کنم؛ حتی مواد هم نمی‌کشم.